

جایگاه و نقش بسیج در رویکرد امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: مهسا ماه‌پیشانیان^۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۴

فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۰

چکیده

با اهمیت یافتن تضادهای هویتی و فرهنگی و کاربرد روزافزون جنگ نرم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در منطق امپریالیستی آمریکا در رویارویی با جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران، مفهوم و ساختار قدرت، امنیت، تهدید، جنگ و دفاع نیز تحوّل بنیادی یافته است. در چنین فضایی، تهدیدهای امنیتی به اندازه‌ای در تمام سطوح پیشروی کرده که زیرساختهای نرم‌افزاری مدیریت امنیت ملی را به چالش کشیده، امکان مدیریت تهدید را تا حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. لذا موفقیت در عرصه مقابله با تهدیدهای نرم، نیازمند راهبرد دفاع همه‌جانبه است. در دفاع همه‌جانبه، هماهنگی بین حوزه‌های سیاستگذاری، اجرایی و برخوردی، بر اساس یک راهبرد مشخص، اصلی و کلیدی است که حوزه‌های قدرت نرم و سخت را به هم پیوند زده، ترکیب مناسبی را در قالب یک مدیریت هوشمند به وجود می‌آورد. این ترکیب ضمن افزایش ظرفیتها و توانمندی‌ها، امکان اشراف بر فرایند تولید امنیت نرم را تقویت می‌کند. در واقع؛ امروزه مؤثرترین راهکار برای مقابله با تهدیدهای نرم دشمنان انقلاب اسلامی ایران، راهبرد دفاع همه‌جانبه است. مقاله حاضر با استفاده از چارچوب نظری امنیت نرم و راهبرد دفاع همه‌جانبه سیاسی، به این سؤال پاسخ داده است که بسیج چه نقشی در تقویت پایه‌های امنیت نرم و دفاع همه‌جانبه از جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه مقاله این است که بسیج با دارا بودن کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه، به عنوان یکی از منابع بسیار مهم تولید سرمایه اجتماعی و انسجام سیاسی، در تولید امنیت نرم نظام و موفقیت راهبرد دفاع همه‌جانبه از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

واژگان کلیدی:

بسیج، امنیت نرم، راهبرد دفاع همه‌جانبه، نظام جمهوری اسلامی ایران.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

«دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع کند، زنده نیست. حتی ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند، او هم به یک معنا زنده نیست.»
(مقام معظم رهبری، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۸/۸/۲۹)

مقدمه

امروزه با کوچک و پیچیده‌تر شدن جهان به دلیل رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت و ماهواره، معادلات گذشته در تنظیم روابط بین کشورها تا حدود زیادی به هم خورده و جای خود را به معادلات جدیدی داده است؛ به گونه‌ای که به جای به کارگیری مستقیم زور، توجه قدرتها به استفاده از قدرت نرم و ایجاد تغییرات از طریق مسالمت آمیز با به کارگیری شیوه‌های نوین مداخله در امور داخلی کشورها جلب شده است (Kolodziej, ۱۹۹۹, P.۱۲). در چنین شرایطی، مفهوم جنگ، قدرت^۱ و امنیت^۲ نیز متحول شده است. بر همین اساس، جنگهای نوین را می‌توان در قالب اقدامات غیر خشونت آمیز تعریف کرد که ارزشها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در نهایت، منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدیدی می‌شوند که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض دارد (Baylis, Smith, ۲۰۰۱, P.۴۱). پایان جنگ سرد سبب افزایش اهمیت این شیوه از جنگ در معادلات نظام بین‌المللی شد. در این میان، آمریکا که پس از فروپاشی بلوک کمونیستی دچار بحران معنای امنیتی شده بود، کوشید تا با بازتعریف تهدیدهای جدید امنیتی خود در قالب اسلام سیاسی، از این شیوه برای مقابله با کشورهای اسلامی و در رأس آنها جمهوری اسلامی ایران استفاده کند (قوام، ۱۳۸۲، ص ۹۱). بر همین اساس، بر ضد کشورمان راهکارهایی همچون: حمایت آشکار از صداهای مخالف، تعمیق و گسترش تحریمها، مخدوش و بدنام کردن اعتبار و وجهه داخلی و بین‌المللی، محدود کردن روابط کشورها و سازمانهای بین‌المللی، مشروعیت بخشی، گسترش و توانمندسازی سازمانهای غیر دولتی مخالف، دخالت گسترده در امور داخلی در محور انتخابات، حقوق بشر، زنان، رسانه‌ها و مذهب، آموزش عناصر و تشکلهای

۱. Power
۲. Security

خارج‌نشین مخالف و حمایت‌های سیاسی و مالی از آنها، تحدید نفوذ در منطقه، ممانعت از دستیابی به فناوری و دانش پیشرفته، تبلیغ و ترویج دوگانگی حاکمیت، راه‌اندازی جنگ عقیدتی و ایدئولوژیک و فعال‌سازی و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای مخالف به وسیله‌های قدرتهای غربی و در رأس آنها آمریکا به کار گرفته شد. (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۸، ص ۴)

در واقع؛ آمریکا و دولتهای غربی می‌کوشند با دستکاری در بصیرت و بینش افراد، ارزشها، باورها، هنجارها و آگاهی‌های مردم را تغییر داده، زمینه نفوذ و تسلط نرم خود را بر آنها فراهم کنند. همچنین آنها در تلاشند با کنترل شبکه‌های ارتباطی-اطلاعاتی و مخدوش کردن اطلاعات، هسته مرکزی رفتار انسانی یا به عبارتی؛ رفتار و اندیشه را تحت کنترل و تسخیر خود درآورند. در چنین وضعیتی، آنها خواهند توانست با ایجاد یک انفعال ذهنی در افراد، اهداف و سیاستهای خود را توجیه کرده، حتی به ایجاد بحرانهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی برای نظام پردازند. (همان، ص ۵)

با تغییر شکل تهدیدها و افزایش شدت آنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، لزوم بازتعریف اصول دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با این تهدیدهای نوین که معمولاً چهره‌ای نرم و ماهیتی خفته و مستور دارند، اهمیت بسیار زیادی پیدا کرد. در همین رابطه، حضرت امام خمینی (ره) با تیزبینی و بصیرت خود، از لزوم دفاع همه‌جانبه^۱ که مبتنی بر اصولی همچون: ایمان و اعتقاد ویژه به فرامین الهی و اسلام، اعتقاد به تلازم انفکاک‌ناپذیر دین و سیاست، تکلیف‌گرایی، تأکید بر هویت‌یابی حیات اجتماعی انسان در سایه هستی‌شناسی عرفان‌محور، بصیرت و روشن‌بینی و دشمن‌شناسی در سطوح ملی و فراملی برای دفاع از همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور است، برای مقابله با تهدیدهای نوین امنیتی سخن گفتند. از آنجا که مهم‌ترین تأکید رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران در راهبرد دفاع همه‌جانبه، دفاع از حوزه فرهنگی و سیاسی کشور است؛ می‌توان به این نکته پی برد که شرط موفقیت جمهوری اسلامی ایران در این عرصه، تحکیم پایه‌های امنیت نرم^۲ نظام است که در این زمینه، بسیج می‌تواند با ایفای نقشهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، گام مهمی

۱. Comprehensive Defense

۲. Soft Security

در این راستا بردارد. همچنین موفقیت در این عرصه، نیازمند بصیرت‌افزایی نخبگان و خواص و آگاه‌سازی افراد جامعه از ماهیت و اهداف تهدیدهای نرم فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که بازدارندگی مردمی مبتنی بر تقویت مقاومت بسیج، یکی از راهکارهای اصلی آن است.

مقاله حاضر با استفاده از چارچوب نظری راهبرد دفاع همه‌جانبه، به بررسی نقش و جایگاه بسیج در تولید امنیت نرم می‌پردازد.

امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)

امنیت همواره کلیدی‌ترین عنصر زندگی بشر بوده است. ترس در همه حال و همه زمانها در تصمیمات و حتی جهت‌گیری‌های دولتها نقش مهمی ایفا کرده است. بیشتر نویسندگان معتقدند که امنیت، «مفهومی مورد اختلاف» است. البته نوعی اتفاق نظر مبنی بر اینکه امنیت به معنی رهایی از تهدیدها در قبال ارزشهای بنیادین (هم برای افراد و هم برای گروهها) است، وجود دارد.

در آموزه‌ها و منابع دینی، امنیت در کنار سلامتی، به عنوان دو نعمت الهی، مورد بحث و تأکید قرار گرفته است. در واقع؛ تأکید دین مبین اسلام بر «سلامت» و «ایمنی» حکایت از آن دارد که اسلام از حیث نظری و علمی، در بر دارنده ایده مستقل در زمینه «امنیت‌سازی»^۱ است. از دیدگاه اسلام، حفظ و تأمین امنیت، از وظایف حکومت است. بر همین اساس، پیامبر اعظم(ص) با تشکیل «مدینه‌النبی» در پی تأسیس نظام تازه‌ای از امنیت بودند که از آن می‌توان به نظریه «امنیت واقعی»^۲ تعبیر کرد. افزون بر مرزهای اعتقادی و حدود سرزمین جامعه اسلامی در این نظریه، مصالح دینی و منافع سرزمینی و همچنین مقتضیات حکومتداری و رسالت رهایی‌بخشی، همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. نتیجه این نگرش، پیدایش بلوکی از قدرت بر مبنای هنجارهای مشترک و انسانی، فارغ از سلطه‌جویی منفعت‌طلبانه است که نه تنها ایمنی را برای جامعه اسلامی به ارمغان می‌آورد، بلکه هدایت و رستگاری را به جامعه بشری عرضه می‌دارد.

۱. Securitization

۲. Real Security

دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در رابطه با مسائل سیاسی، از جمله در مورد مسئله امنیت، در چارچوب اسلام و تفسیر فقهی آن می‌گنجد. بر این اساس، چندان نمی‌توان تفاوت مشخصی را میان دیدگاه‌های اسلامی و امام خمینی (ره) جستجو کرد. فقط مسائل جدیدی وجود دارند که به مقتضای زمانه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مطرح می‌باشند؛ ضمن اینکه این مسائل نیز حاصل برداشت از منابع سنتی اسلام است.

در فقه سیاسی آن حضرت، مرجع امنیت امت، حکومت و جمهوری اسلامی است. همچنین در نظریه امنیتی ایشان، امت، جایگزین مفهوم ملت به مفهوم غربی شده و امنیت ایران به امنیت کل جهان اسلام وابسته می‌شود. به اعتقاد ایشان، تعریف اهداف امنیتی در چارچوب دولت - ملت، سبب دنباله‌روی از منافع ملی و تلاش برای افزایش قدرت مادی می‌شود. همین امر سبب شده که بخش عمده‌ای از مسائل جهان اسلام در قالب‌های ملی، نژادی و منطقه‌ای مطرح شود. ایشان بر این باور بودند که قدرت برخاسته از این خاستگاه نمی‌تواند در مقابل قدرت ناشی از بلوک سیاسی و فرهنگی غرب دوام آورد.

بر همین اساس از نگاه ایشان، امنیت جمهوری اسلامی ایران در چارچوب تأمین امنیت ارزشهای اسلامی و دفاع همه‌جانبه از آن تأمین می‌شود و در این رابطه می‌فرمایند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهم واجبات عقلی و شرعی است... حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی است... از نماز اهمیتش بیشتر است.» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۲۲۶)

دفاع همه‌جانبه از ارزشهای اسلامی و فرهنگی، از طریق حفظ وحدت داخلی، حضور و پایداری ملت در صحنه، اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام، احساس مسئولیت روحانیون، متعادل و بهنگام بودن، تلاش هماهنگ مردم برای حفظ جمهوری اسلامی ایران آمادگی برای دفاع همه‌جانبه، حفظ نظم و رعایت سلسله مراتب در نیروهای نظامی و انتظامی، وحدت ارتش و سپاه، عدم سوءاستفاده از آزادی و جلوگیری از هرج و مرج و جلوگیری از اشاعه تفرقه میان اهل سنت و شیعه، از جمله ابزارها و راهکارهای مورد نظر حضرت امام خمینی (ره) برای حفظ امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. (همان)

با نگاه به بحث امنیت در اسلام و اندیشه امام خمینی (ره) و مقایسه اجمالی آن با مکاتب غربی، می توان گفت این مفهوم در اندیشه سیاسی اسلام و همچنین حضرت امام، به طور کامل در هیچ کدام از برداشتهای یاد شده جا نمی گیرد؛ ولی در عین حال، اشتراکاتی با برخی از آنها دارد. بر خلاف برداشتهای غربی از امنیت، در اندیشه سیاسی اسلام، مفهوم امت، جایگزین مفهوم ملت می شود. لذا مفاهیمی چون منافع ملی که در تضاد با وحدت طلبی امت است، چندان اعتباری ندارند و به جای آن، مصالح جامعه اسلامی و امنیت امت اسلامی اهمیت پیدا می کنند. علاوه بر این، تعبیر امام خمینی (ره) از امنیت نظام، بیشتر دارای صبغه ایدئولوژیکی است و این باعث می شود تا نتوان آن را کاملاً مترادف با مفهوم غربی امنیت ملی دانست.

با مقایسه نظری مکاتب غربی امنیت با اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) می توان به نکات ذیل اشاره کرد:

- بر خلاف تمامی رویکردهای غربی یاد شده نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزشهای این جهانی و دنیوی انسانها توجه دارند، امام خمینی (ره) اصولاً بُعد اصلی امنیت مردم را بُعد اخروی آن دانسته، امنیت این جهانی در تمامی ابعادش را مقدمه ای برای تحقق این وجه از امنیت می دانند. بر همین اساس، در اندیشه ایشان، بُعد معنوی امنیت بر بُعد مادی آن رجحان و برتری دارد؛

- در اندیشه امام خمینی (ره)، تأمین امنیت معنوی انسانها نیازمند توجه به ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی امنیت و دفاع همه جانبه از ارزشهای اسلامی است. بنابر این، در رویکرد ایشان علاوه بر جنبه های نظامی، سیاسی، فرهنگی و... که بُعد مادی امنیت را تشکیل می دهند، بُعد غیر مادی و فرا دنیوی امنیت جوامع انسانی نیز بسیار مهم و تعیین کننده است؛

- امنیت و امنیت ملی در اندیشه امام خمینی (ره)، ابزاری است برای ایمن سازی همه جانبه جامعه به منظور زمینه سازی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی انسانها؛

- از نگاه امام خمینی (ره)، دفاع همه جانبه از ارزشهای اسلامی، اصل نظام جمهوری اسلامی ایران و ولایت فقیه، کانونی ترین موضوع امنیت است؛

• در امنیت اقتصادی بر خلاف نظریات امنیتی غربی، برای ایشان برقراری عدالت اجتماعی و مقابله با نابرابری‌های اجتماعی دارای اولویت است؛

• در زمینه فرهنگی از نگاه ایشان، دفاع همه‌جانبه از ارزشها، هنجارهای فرهنگی و تعالی ابعاد معنوی و اخلاقی انسانها، امنیت‌آفرین است؛ زیرا امنیت فرهنگی با حفظ هویت و انسجام اسلامی، زمینه توسعه پایدار و همه‌جانبه یک ملت را فراهم می‌آورد؛

• در اندیشه امام خمینی (ره)، مهم‌ترین تهدیدهای امنیتی^۱ در بُعد داخلی، متوجه اسلامیت نظام و ولایت فقیه و در بُعد بیرونی به صورت غیر مستقیم از طریق تأثیرگذاری بر فرهنگ و باورهای مردم و به ویژه دانشجویان، جوانان و روشنفکران، باعث زوال مشروعیت حکومت اسلامی می‌شوند. سکولاریسم، آلودگی جوانان به فرهنگ غربی، کاهش ارزشهای دینی و رواج ایدئولوژی‌های الحادی، از تهدیدهای نر می است که بسیار آرام و تدریجی باعث کاهش مشروعیت حکومت اسلامی و تهدید ایده دولت می‌شود. (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸)

در مجموع باید اذعان داشت که از جنبه مادی و معنوی، امام خمینی (ره) ابعاد گوناگونی را برای امنیت ملی متصورند. از این حیث، نگاه امام خمینی (ره) به ابعاد امنیت را می‌توان با رویکردهای نرم و انتقادی نسبت به ابعاد امنیت نزدیک دانست؛ با این تفاوت که ایشان، امنیت انسان و جوامع انسانی را صرفاً محدود و خلاصه در بعد مادی آن نمی‌دانند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که ابعاد مادی امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، دارای اهمیت یکسانی نیستند و اولویت آنها در زمانهای مختلف متغیر است. پس از تشکیل حکومت به عنوان ابزاری ضروری برای تأمین ابعاد مادی و معنوی امنیت، به نظر می‌رسد که در اندیشه حضرت امام، بُعد سیاسی، فرهنگی و در این ابعاد، دفاع همه‌جانبه از ارزشها و هویت اسلامی، نظام سیاسی و هویت فرهنگی، هسته اصلی امنیت ملی را تشکیل می‌دهد و سایر ابعاد امنیتی، تحت الشعاع آن قرار می‌گیرند. تأکید مکرر ایشان بر اهمیت حفظ نظام و اولویت آن بر سایر واجبات دینی، دلیل این

مدعاست. (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۵)

۱. Security Threats

نگاهی به مفهوم امنیت نرم

با استفاده از نظریات اسلام و حضرت امام خمینی (ره) درباره امنیت، می‌توان از رویکرد سخت‌افزاری تهدیدمحور، به رویکرد نرم‌افزاری امنیت یا امنیت نرم حرکت کرد. همان‌گونه که اشاره شد، در مکتب فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، جنبه معنوی و نرم امنیت بر جنبه مادی و سخت آن برتری دارد؛ زیرا از دیدگاه ایشان، امنیت جنبه سخت‌افزاری نداشته و باید بیشتر به دنبال به دست آوردن قلوب مردم باشد. چنین نگاهی به مفهوم امنیت با تعاریفی که از امنیت نرم ارائه شده، هماهنگی دارد. برای مثال، دایره‌المعارف ویکی‌میتبال، امنیت نرم را در درجه اول متضاد امنیت سخت می‌داند. همچنین بیان می‌کند که امنیت نرم به جای استفاده از خشونت و حمله، بیشتر به دنبال دفاع و اقناع مردم علیه حمله است و کاهش صدمات را مد نظر دارد. امنیت نرم از نظر اجتماعی در موقع حمله نیز مؤثر است و کمک می‌کند تا انسانها رفتار بهتری با هم داشته باشند و مانعی بر سر راه انسانهایی نشوند که ارزشی را به سیستم اضافه می‌کنند. (Lomagin, ۲۰۰۲, P. ۱-۲)

نیکیتا ای. لوماگین معتقد است که تهدیدهای امنیت نرم، تهدیدهایی است که ریشه نظامی ندارد. وی وضعیت اجتماعی را منشأ بسیاری از تهدیدهای نرم در موقعیت کنونی و انتقال امراض مسری را نمونه‌ای وابسته و نشئت گرفته از این حالت می‌داند. (Ibid, P. ۳)

به طور کلی از دید کارشناسان، امنیت نرم از چهار بخش اساسی: «موضوعات مرجع امنیت نرم»، «قدرت نرم کشور»، «جنگ نرم دشمن» و «پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی» تشکیل می‌شود. حاکمیت ملی، هویت ملی، روش زندگی، انسجام سیاسی - اجتماعی و تصویر و وجهه بین‌المللی، از مهم‌ترین موضوعات مرجع امنیت نرم است. بنابراین، نوع رژیم، ارزشها و تکالیف بنیادین رژیم، نهادهای اساسی حاکمیت، احساس امنیت از جانب ارزشها و هنجارها نزد مردم، وفاق ملی میان مردم، نیروهای سیاسی و نظام سیاسی بر سر مسائل مرتبط با منافع و تهدیدهای امنیت ملی، تعامل مناسب با سازمانهای بین‌المللی و وجهه و آبروی بین‌المللی، از مهم‌ترین عوامل مرجع در امنیت نرم است. (Ibid, P. ۳۶)

۱. Persuasion

۲. Soft War

در سطح راهبردی (اولین سطح قدرت نرم)، قدرت متوجه رهبران و نخبگان کشور است و بالاترین سطح رویارویی قدرت نرم با تهدید نرم را شامل می‌شود. در این سطح، هدف افزایش قدرت، هنجارسازی خود و تضعیف قدرت حریف در صحنه بین‌المللی است و هدف حریف هم از تهدید نرم در این سطح، اولاً شناسایی نخبگان و رهبران فکری جامعه و ثانیاً ارباب و تأثیرگذاری در آنهاست. (اداره سیاسی سپاه، ۱۳۸۱)

در مقابل، سطوح میانی منحصراً به مردم و قدرت ملی تکیه دارند و از فرهنگ عامه متأثر می‌شوند. در این سطح، افکار عامه از تصمیمات نخبگان و رهبران جامعه حمایت می‌کند و به آنها مشروعیت می‌بخشد. در مقابل، هدف تهدید نرم در این سطح، ایجاد شکاف میان نخبگان سیاسی و فرهنگی و آحاد عمومی جامعه است؛ یعنی می‌خواهند مردم را از یک جماعت همراه، به جماعتی بی‌تفاوت، معارض و مخالف تبدیل کنند و برای رسیدن به این هدف، از ابزارهایی مثل تشویق به نافرمانی مدنی^۱ استفاده می‌کنند.

در سطح روشی، رویارویی قدرت نرم در سطح روش زندگی صورت می‌گیرد. هدف این سه سطح از قدرت نرم، باید همراه هم مورد توجه قرار گیرد و سعی شود در هر سه سطح، قدرت‌دهی و قدرت نرم جامعه افزایش پیدا کند تا بتوانند در مقابل تهدیدهای نرم مؤثر واقع شوند. (افتخاری، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

در مجموع، قدرت نرم را با چهار رکن اساسی می‌توان معنا کرد: کارآمدی^۲ حکومت، سرمایه اجتماعی^۳، اقتدار^۴ و جذابیت^۵.

«کارآمدی حکومت» که یکی از عناصر و ارکان اصلی قدرت نرم است، ارتباط محکم و مؤثری با امنیت نرم دارد. کارکردهای اصلی این بازوی امنیت نرم در مهار جنگ نرم، پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی و ترسیم‌کننده آسیب‌پذیری‌ها و حفاظت‌کننده و تقویت‌کننده موضوعات مرجع امنیت نرم است. توانایی دستگاه‌های دولتی در انجام درست و مؤثر وظایف قانونی و مورد انتظار جامعه، توانایی حکومت در حل مسائل

۱. Civil Disobedience

۲. Efficiency

۳. Social Capital

۴. Authority

۵. Attractiveness

مردم، بسیج منابع، به کار گرفتن امکانات و ظرفیتها در حل مسائل یا اجرای برنامه‌ها و تصمیمات مشخص، توان تصمیم‌گیری‌های جامع، منسجم و استوار از سوی حکومت و توان اجرایی انعطاف‌پذیر، قاطع، مستمر و سریع، از معیارهای مهم سنجش میزان کارآمدی حکومت است.

«سرمایه اجتماعی» به عنوان دومین رکن قدرت نرم از مجموعه هنجارها و ارزشهای موجود در سیستمهای فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزشها حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ماست که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و غیره است (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱). اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، رضایت و حساسیت سیاسی، از مهم‌ترین مراکز ثقل سرمایه اجتماعی اند.

اعتماد اجتماعی هم از انتظار رفتار معتدل و صادقانه میان مجموعه‌ها ناشی می‌شود و به تناسب نوع مجموعه‌ها، دارای ابعاد مختلفی است. اعتماد سیاسی، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تشکیل‌دهنده قدرت نرم است. اعتماد سیاسی؛ یعنی اعتماد به حکومت، که در اثر رضایت مردم از خدمات دولتی خاص ایجاد می‌شود و با حمایت عام‌تری که عوامل فرهنگی، سیاسی و جمعیت‌شناختی سبب آن می‌شوند، مقایسه می‌شود. اعتماد سیاسی مردم سبب افزایش حساسیت سیاسی آنها شده، به تبع آن، میزان مشارکت و مشروعیت سیاسی نظام افزایش می‌یابد. (همان)

«اقتدار»، سومین رکن قدرت نرم است که از ترکیب اشراف اطلاعاتی و روانی بر بازیگران ناامنی‌ساز ناشی می‌شود و به صورت حضور نامحسوس عامل مقتدر نزد بازیگران ناامنی‌ساز ظاهر می‌شود.

چهارمین رکن قدرت نرم، «جذابیت» کارگزار قدرت نرم است که به معنای احترام و منزلت کارگزار و امنیت نزد مخاطب است. بنابر این، دولتها و نهادهای مرتبط با آن، مردم و نهادهای مدنی ملی و بین‌المللی اصلی‌ترین بازیگران عرصه امنیت نرم هستند. در امنیت نرم، حکومت، جامعه و مردم، سه بازیگر اصلی هستند.

کانون اصلی قدرت نرم، کارآمدی حکومت در تولید و مهندسی امنیت از یک سو و مدیریت ناامنی از سوی دیگر است. بر این اساس، میان قدرت نرم، جنگ نرم، آسیب‌پذیری‌ها و پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی، رابطه متقابل وجود دارد.

تبیین نقش بسیج در تأمین امنیت نرم

با توجه به شناختی که از مفهوم امنیت نرم به دست آمد، باید به بررسی شاخصها و عوامل امنیت نرم توجه شود. با تعمق در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) می‌توان در بُعد فرهنگی، عواملی همچون: اسلامی بودن ماهیت حکومت و التزام به اصول بنیادین آن، اطاعت از پیامبر (ص) و ائمه (ع)، استحکام پایه‌های ایمانی مردم، مرجعیت قرآن کریم و سنت نبوی در حکومتداری، اخوت اسلامی در میان مردم و مسئولان و حفظ انسجام و هویت اسلامی از طریق دستیابی به استقلال فرهنگی، در بُعد سیاسی: مشروعیت سیاسی دولت، بصیرت نخبگان، خواص و مردم، مردم‌سالاری دینی، کارآمدی حکومت، مشارکت مردمی و در بُعد اجتماعی: برقراری عدالت، انسجام اجتماعی، قانون‌مداری و سلامت نظام اداری را از مهم‌ترین شاخصها و عوامل امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران دانست.

با توجه به شاخصهای مورد نظر حضرت امام خمینی (ره)، می‌توان عوامل امنیت نرم را چنین دسته‌بندی کرد:

الف) نقش هنجارها در امنیت نرم: روش زندگی به عنوان یکی از عوامل امنیت نرم، در واقع اقتباس ویژه‌ای از فرهنگ است. بر این اساس، فرهنگ بیشتر به عنوان الگو، قاعده و روش، تفسیر شده است. بنابر این، رسم عمل و اندیشه هر جامعه، الگوهای رفتاری جامعه، الگوهای عاداتی پاسخگویی، معیارهای ارزیابی‌کننده اعمال و اقدامات دیگران و معیارهای شناخت اعمال و رفتارهای دیگران، همگی از جمله معانی فرهنگ در چارچوب الگو، قاعده و روش است که در اینجا همه آنها در قالب روش زندگی جامعه معنا شده‌اند. روش زندگی، در واقع محیط فرهنگی و نهادی هر جامعه را انعکاس می‌دهد و از این نظر، با هویت ملی و ایدئولوژی دولت، ربط محکمی دارد و حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد.

اصلی‌ترین و مهم‌ترین معیار تحلیل و ارزیابی امنیت نرم در هدف مرجع روش زندگی، هنجارها در بافتار امنیت نرم است. هنجارها درست یک مرحله قبل از رفتارها و پدیده‌های امنیتی قرار دارند؛ مواد آنها از دین، عقاید، دانش، سنتها، باورها و ارزشها تشکیل شده و عامل شکل‌دهنده یا حداقل تأثیرگذار ذی‌نفوذ بر رفتارهای راهبردی،

منافع، اهداف و سیاستهای امنیت ملی است. بر این اساس، عواملی همچون: اداره کشور بر اساس قوانین و مقررات مبتنی بر شرع، اعتقاد و التزام به ولایت فقیه به ویژه در نزد کارگزاران حکومت، رواج عمومی و خصوصی امر به معروف و نهی از منکر، تقویت ارزشهای فرهنگی همانند ایثار و گذشت و کمک به فقرا، توسعه مظاهر و نمادهای دینی و مذهبی، کارکرد صحیح نهادهای جامعه پذیری (خانواده، مدرسه، دانشگاه، مسجد و...)، رعایت عدالت اسلامی نسبت به پیروان سایر ادیان و فرقه و مذاهب و عدم آلودن ایمان به ظلم، از جمله هنجارها و ارزشهای فرهنگی اند که نقش بسیار مهمی در تقویت پایه‌های امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران دارند.

مهم‌ترین نقش بسیج در این زمینه، افزایش روابط اخلاقی میان اعضای جامعه و تقویت مبانی آن است. بسیج با گسترش و تعمیق هنجارهای اخلاقی در جامعه و افزایش این روابط، می‌تواند نقش بسیار مهمی در تعمیم تعهدپذیری افراد جامعه و شکل گرفتن داوطلبانه انضباط اجتماعی داشته باشد. افزایش تعلق عاطفی، تعمیم اعتماد متقابل، گسترش میزان پرهیزگاری در جامعه، بسط و گسترش عزت و احترام متقابل بین افراد جامعه و اهمیت یافتن بیشتر عزت و کرامت انسانی، از مهم‌ترین پیامدهای این مسئله است.

بسیج همچنین می‌تواند به تقویت مبانی اخلاقی در جامعه اقدام کند. تحکیم مبانی اخلاقی در یک جامعه، نه تنها وفاق اجتماعی را گسترش می‌دهد، بلکه به سهم خود، میزان کنترل رسمی و هزینه مادی و روانی مترتب بر آن را در جامعه کاهش می‌دهد؛ چرا که بین پرهیزگاری اجتماعی، میزان استحکام نظم هنجاری، میزان نظارت رسمی و هزینه‌های مربوط به آن، رابطه معکوس وجود دارد. با تقویت و تعمیم ارزشهای اخلاقی و اشاعه مقولات اخلاقی به وسیله بسیج، به تدریج فضای مفهومی مقولات اخلاقی نظیر عدالت، آزادی، صداقت، مروّت، فضیلت و امنیت و درک واقع‌بینانه از آنها نیز توسعه می‌یابد.

ب) نقش انسجام سیاسی در امنیت نرم: این مفهوم را می‌توان با معیار وفاق ملی میان مردم، نیروهای سیاسی و نظام سیاسی بر سر مسائل مرتبط با منافع و تهدیدهای امنیت ملی مورد ارزیابی قرار داد. در این چارچوب، «همکاری» به معنای درک، ارزیابی و باور

مشترک و «همگامی» به معنای سازش بیرونی میان بازیگران متعامل و به بیان واضح‌تر؛ نبودن تعارض و تضاد در رفتارها به منظور رسیدن به اهداف و منفعت‌های یکسان یا متفاوت است. همگامی به این معناست که رفتارها و اقدامات بازیگرانی که حتی ممکن است همفکر نیز نباشند، به صورت متعارض و متضاد بروز نیابد یا رفتارها و الزامات بازیگران در عرصه‌های دیگر به تخریب منافع و اهداف در عرصه مورد نظر منجر نشود.

همدلی به معنای احساس تعلق مشترک و در واقع؛ خمیرمایه وفاق ملی و احساس تعلق بازیگران به یکدیگر است. به بیان ساده‌تر؛ تصور یک خانواده بودن، برادر بودن و تعابیری از این دست میان بازیگران متعامل به شمار می‌رود. نبود همدلی باعث ضربه خوردن تعهد و وابستگی عاطفی و تعامل سیاسی - اجتماعی و تبدیل مفهوم ملی به مفهوم جمعیت خواهد شد. در این زمینه نیز عواملی همچون: اختلافات اندک فردی و گروهی میان مسئولان، پرهیز از جدال و کینه و حسد نسبت به گروه‌های مذهبی دیگر، تأکید بر نقاط مشترک و اجتناب از اختلافات عقیدتی و مذهبی، تقویت واکنش عمومی مثبت در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور و پیوستگی بیرونی (داشتن عمق در پیرامون) در تقویت پایه‌های امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار مؤثر است. بسیج با دارا بودن کارکردهای ذیل، نقش مهمی در این زمینه دارد:

- ایفای نقش در زمینه باورپذیری، مفهوم‌سازی، اندیشه‌ورزی، تبیین الگوهای فکری و انسجام‌بخشی به نظام‌های معنایی به منظور ارتقای سطح دانش و معرفت عمومی؛
- بازسازی فرهنگ، افکار و عقاید موجود در جامعه و استحکام بخشیدن به آنها؛
- با توانایی انتقال ارزشها و ترسیم ایدئولوژی مسلط، نقش مؤثری در شکل‌دهی به آگاهی عمومی دارد، می‌تواند الهام‌بخش تفکر و رفتار اجتماعی سازگار با باورهای حاکم باشد؛
- بسیج از این توانمندی برخوردار است که به مردم بگوید چه موضوعاتی مهم به نظر می‌رسند. بنابر این، می‌تواند با قدرت اقناعی خود، نظام عقیدتی را در جامعه تعمیق و تحکیم کند؛

- توانمندی اندیشه پردازی و الگوسازی، به معنای ترویج اعتقادات و ایده‌های مشترک جامعه و بنیادهای مذهبی و عقیدتی موجود در نظام اعتقادی جامعه که از رهگذر ساخت و تولید، انتقال و توزیع و دریافت و مصرف دانش، اندیشه و تفکر صورت می‌پذیرد؛
 - ارائه اندیشه‌ای جذاب، عملی، کارآمد و مجاب‌کننده خرده‌ها برای تبیین عقاید و دیدگاه‌های ملی و آگاهی‌بخشی به مردم و مشروعیت‌دهی درباره ایده‌های مسلط از طریق جهت‌دهی به تفکر و اقدام اجتماعی؛ این اقدام می‌تواند با تحکیم ساختارهای معرفتی و فرهنگی جامعه به ثبات و انسجام اجتماعی منجر شود؛
 - به عنوان بازتاب‌دهنده ارزشهای فرهنگی و ایدئولوژی جامعه، می‌تواند به ترسیم و ترویج ارزشها به عنوان ایستارهای عمیق و پایدار پردازد. واقعیت آن است که قسمت عمده نقش بسیج در دنیای کنونی اطلاعات و ارتباطات، همین فرهنگ‌سازی ایدئولوژیک است؛
 - توانمندی در جهت هنجارسازی برای تقویت مؤلفه‌ها و شاخصهای قدرت و امنیت نرم حکومت؛ همانند احترام به هویت‌های فرهنگی و ارزشهای ملی و تاریخی، احقاق حقوق انسانها، هنجارهای اخلاقی، امنیت انسانی، مردم‌سالاری، مقابله با تبعیض قومی و نژادی.
- نتیجه اینکه، بسیج رسالت بسیار خطیری در امر اطلاع‌رسانی به موقع برای ایجاد آمادگی دائمی در جامعه، جلب اعتماد عمومی به منابع اطلاع‌رسانی داخلی، مقاومت‌سازی فکری مردم برای کاهش خسارات جنگ نرم، شناسایی مداوم اهداف دشمنان به گروه‌های مختلف جامعه به خصوص جوانان، زنان و اقلیتهای دینی و قومی، تقویت اعتماد مردم به ارزشهای فرهنگی و ملی، مهندسی امنیت ذهنی و روانی مردم در رابطه با ارزشها و هنجارهای فرهنگی جامعه، تقویت مسئولیت‌پذیری نسبت به سرنوشت کشور برای مقابله با جنگ نرم دشمن و تقویت پایه‌های امنیت نرم نظام بر عهده دارد.
- ج) نقش اعتبار و مشروعیت سیاسی در امنیت نرم:** اعتبار و معروفیت دولت به حسن شهرت نیز از عوامل مهم در امنیت نرم است که نقش بسیار مؤثری در زمینه‌سازی

برای پیشبرد اهداف بازیگر یاد شده و پذیرش سهل و آسان دیدگاه و رفتار وی از سوی مردم دارد. در این زمینه عواملی چون: کارآمدی حکومت، اعتقاد و التزام به ولایت فقیه به ویژه در نزد کارگزاران حکومت، اعتقاد شهروندان به شایستگی و درستکاری رهبری و سران قوا، اشتها دولتمردان به عدل، انصاف، فروتنی و پناه مردم بودن، باور مردم به صحت فرایندهای نیل مسئولان به قدرت، شایستگی و مقبولیت دولتمردان، حقانیت دولت در برخورد و اعمال قدرت بر شهروندان، حاکمیت قانون و ساختارهای حقوقی عادلانه و بی طرفانه، پاسخگو بودن و شناختن حق پرسشگری برای مردم، شفافیت و ارائه اطلاعات به شکلهای قابل فهم، برگزاری انتخابات سالم با مقررات شفاف برای گزینش دولتمردان، هماهنگی منافع عموم مردم و مسئولان، برقراری ارتباط دوسویه و متقابل حاکمیت و مردم، اعتبار و اعتماد آنها به دولت، کسب رضایت حداکثری مردم قابلیت و توانایی اداره بهینه کشور توسط مدیران و کارگزاران، تحقق کارویژه‌های اساسی حکومت، تلاش حکومت برای ارتقای کرامت انسانی در رفتار سازمانی و تعامل با مردم و عدم شکل‌گیری ایدئولوژی(های) مخالف در برابر ایده دولت، از شاخصهای بسیار مهم امنیت نرم محسوب می‌شوند.

در صحنه بین‌المللی شاید بتوان گفت در ساخت تصویر از هر کشور، آنچه بیش از نفس اقدامات نظام اهمیت دارد، برداشتی است که مخاطبان از عملکرد و نیت آن نظام در رفتار مورد نظر دارند. در این رابطه بسیج می‌تواند با انتقال صحیح، هوشمندانه و سریع اطلاعات به افراد جامعه، تقویت فرهنگ مدنی مردم و تحکیم پیوند دولت و مردم، رسالت خطیر خود را به انجام رساند. در واقع؛ بسیج در این عرصه در رابطه با مردم (انتقال صحیح اطلاعات، تقویت مدنیت سیاسی) و دولت (تحکیم رابطه مردم با دولت از طریق آگاه کردن مردم از عملکردهای اقتصادی و اجتماعی و بالا بردن رضایت، حساسیت و مشارکت سیاسی مردم) وظیفه بسیار مهمی دارد که می‌توان مهم‌ترین محورهای آن را موارد ذیل دانست:

- انتقال صحیح، جامع و هوشمندانه اطلاعات در مورد ماهیت، اهداف و روشهای دشمنان انقلاب اسلامی ایران متناسب با سطح آگاهی و دانش تمام بخشها و سطوح افراد جامعه؛

- نظارت صحیح و نقّادانه بر عملکرد دولت برای ایفای مسئولیت خود در برابر مردم و تحکیم روابط مردم و دولت؛
- شناسایی و طبقه‌بندی گروه‌های مختلف جامعه که بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر جنگ نرم دارند (همانند زنان، جوانان و اقلیتهای قومی) و سرمایه‌گذاری بیشتر روی آنها برای تقویت هویت ایرانی - اسلامی آنان؛
- اولویت‌بندی اهداف و ارزشهای اسلامی - ملی جامعه برای مقابله با جنگ نرم و شناساندن آن به مردم؛
- تلاش برای دسترسی به اطلاعات روزآمد در مورد اهداف و روشهای جدید فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دشمنان برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران.

(د) نقش سرمایه اجتماعی در امنیت نرم: امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع، به خصوص در زمینه امور حکومتی، تقویت مشروعیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون آن، پیمودن راههای توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شوند (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۰). در این رابطه می‌توان به مواردی همچون: برقراری ارتباط دوسویه و متقابل حاکمیت و مردم، اعتبار و اعتماد مردم به دولت، قابلیت و توانایی اداره بهینه کشور توسط مدیران و کارگزاران، تحقق کارویژه‌های اساسی حکومت و کسب حداکثر رضایتمندی مردم، همزیستی همراه با احترام و هم‌افزایی در چارچوب مرزهای کشور، نبود گرایشهای مرکز‌گریز در میان قومیتها و مذاهب، عدم تبعیض در جذب نیروی انسانی برای مدیریت جامعه، وجود احساس مشترک درباره ارزشها و علایق ملی، پذیرش الگوی حکمرانی و ایدئولوژی دولت و نبود جنبشهای جدایی‌طلب، فراهم‌آوری حقوق اقتصادی و اجتماعی به دور از تبعیض و اعمال سلیقه، بالا بودن ضریب توانایی درمانی و ترمیمی جامعه، حفظ هویت جامعه از تهدیدهای درونی و بیرونی، رفتار قانونمند اعضای جامعه، تعریف حقوق و مسئولیتها و وظایف و تسهیل پاسخگویی همگانی، توازن و تعادل نسبی اقتصادی بین اقشار اجتماع، توزیع عادلانه درآمد عمومی و رفاه نسبی، حفظ و صیانت از اعتماد

عمومی، وجدان کاری و التزام به اصول انسانی و اخلاقی و کارآمدی دستگاههای نظارتی اشاره کرد. بسیج با نقد مسئولانه و شفاف‌سازی عرصه عملکرد دولت، حفظ طراوت فرهنگی، تقویت تعهدات جمعی و تحکیم هویت جامعه که پایه عاطفی سرمایه اجتماعی است، می‌تواند به عنوان یک سرمایه مهم اجتماعی تلقی شود.

افزایش انسجام اجتماعی، گسترش اعتماد متقابل، افزایش همدلی سیاسی، افزایش امکان مدیریت و چاره‌جویی به موقع بحرانهای اجتماعی، افزایش واقع‌بینی سیاسی و گسترش انتقادهای سازنده و امکان به‌کارگیری آنها، همه در گرو گسترش روابط سیاسی سازنده میان دولت و مردم و ایفای نقش مسئولانه بسیج است. موفقیت بسیجیان در این مسیر، نقش بسیار مهمی در افزایش همدلی سیاسی جامعه، تقویت مدیریت تضادهای اجتماعی و افزایش قابلیت حل مسالمت‌آمیز آنها، تعدیل و تصحیح جامعه از طریق مباحثات انتقادی سازنده، افزایش واقع‌گرایی سیاسی و رقابت سیاسی سالم و در امان ماندن جامعه از افراط و تفریط سیاسی دارد.

همچنین شکل گرفتن اعتماد اجتماعی به عنوان زیربنای سرمایه اجتماعی، نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت نرم برای جامعه دارد. روابط گرم اجتماعی بین گروههای مختلف جامعه که احساس تعلق افراد به جامعه را افزایش می‌دهد، زمینه گسترش اعتماد اجتماعی را فراهم می‌آورد. بر همین اساس، بسیج باید بکوشد نقش بسیار مهمی در گسترش روابط اجتماعی بین گروههای مختلف جامعه ایفا کند. لذا باید با فراهم آوردن امکان مبادله اجتماعی مستحکم بین گروههای اجتماعی، در این مسیر گام بردارد. برای مثال، بسیج می‌تواند با انتشار مطالب در مورد معرفی، نقش و اهمیت هر یک از گروههای اجتماعی در ساختار جامعه، ضمن بالا بردن حس خودباوری آنها، زمینه شناساندن گروهها به یکدیگر و گسترش روابط تعاونی بین آنها را به وجود آورد. این‌گونه روابط، سبب افزایش تعهدات عمومی کنشگران اجتماعی نسبت به یکدیگر می‌شود. همچنین گسترش این‌گونه روابط که در پرتو شناخت و آگاهی افراد از یکدیگر به دست می‌آید، می‌تواند وحدت اجتماعی را افزایش داده، مانعی در برابر تهدیدهای نرم اجتماعی باشد. علاوه بر این، بسط چنین روابطی می‌تواند تضادهای ارزشی را کاهش دهد. برای مثال، اگر بسیج بتواند شناخت مناسبی از آداب و رسوم، ارزشها، اهمیت و سابقه تاریخی گروههای قومی

و نقش آنها در تاریخ مبارزات ملی ارائه دهد، نقش بسیار مهمی را در این راستا ایفا کرده است. علاوه بر این، انعکاس نیازها، نقشها و توانمندی زنان و جوانان در بسیج نیز می‌تواند در همین راستا مؤثر باشد.

نکته مهم دیگر اینکه، بسیج باید با درج و انتشار مطالب مختلف تلاش کند تا در نظامهای شخصیت افراد جامعه، تمایل به نوع دوستی را تقویت کرده، این باور را در مردم نهادینه کند که همه افراد جامعه برابر زاده شده‌اند و دارای کرامت هستند و هر کس دارای استعداد خاصی است. همچنین در گروههای مختلف اجتماعی، به خصوص گروههای قومی، این باور را شکل دهد که غریبه، مترادف با دشمن نیست.

همچنین بسیج باید بکوشد نقش بسیار مهم خود را در روابط گفتمانی بین فرهنگی ایفا کند؛ زیرا به دنبال افزایش روابط گفتمانی بین فرهنگی، سازوکارهای مجاب‌سازی در شبکه روابط اجتماعی تقویت می‌شوند؛ روابط اجتماعی در بُعد فرهنگی تسهیل می‌شوند؛ سطح فرهیختگی جامعه و اعضای آن افزایش می‌یابد؛ حجم و سرعت تبادل اطلاعات در عرصه جامعه افزایش می‌یابد و سطح آمادگی جامعه برای حل تناقضات منطقی - فرهنگی در حوزه‌های گوناگون بیشتر می‌شود.

بسیج همچنین باید تلاش کند تا در افزایش روابط گفتمانی علمی و استمرار آنها در جامعه به منظور تقویت زیربنای علمی کشور برای مقابله با جنگ نرم ایفای نقش کند. با گسترش این روابط، اجتماع علمی شکل می‌گیرد و علم، نهادینه می‌شود؛ با تشکیل اجتماع علمی و نهادینه شدن علم، امکان جامعه‌پذیری علمی و رشد شخصیت‌های علمی و تولید علمی فراهم می‌شود. افزایش روابط گفتمانی علمی باعث گسترش تعقل‌گرایی ابزاری و نفوذ آن در سایر حوزه‌های کنش در جامعه می‌شود. این افزایش با اشاعه یافته‌های علمی در جامعه قرین است و شرایط را برای تغییر و تصحیح هنجارهای رویه‌ای برای انجام امور علمی فراهم می‌آورد. در اثر این روابط، اطلاعات علمی برای پذیرش تغییرات معقول بالا می‌رود و به همراه آن امکان به کارگیری یافته‌های علمی و اقتباس روشهای نوین علمی نیز در جامعه افزایش می‌یابد. بعلاوه، با افزایش روابط گفتمانی علمی، ظرفیت برنامه‌ریزی و سازماندهی در سطوح مختلف جامعه، از سطح فردی تا کلان افزایش می‌یابد.

به طور حتم، شکل گرفتن این باورها برای مردم، نه تنها روابط بین گروهی را که عامل کلیدی برای تشکیل سرمایه اجتماعی است افزایش می‌دهد، بلکه نقش بسیار مهمی نیز در افزایش انسجام ملی دارد. همچنین شرایط ذهنی لازم برای همکاری و یاری اجتماعی افزایش می‌یابد و تنشها و تناقضهای بین گروهی کاهش می‌یابد. شاخصهای پیش گفته، با بالا بردن توان و قابلیت کشور در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در موفقیت دفاع همه‌جانبه از ارزشهای اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران دارند.

راهبرد دفاع همه‌جانبه

دفاع در اسلام از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است؛ زیرا انسانها به حکم عقل و فطرت، برای بقا و ادامه حیات، نیازمند رفع موانع و دفع تهدیدهای دشمن می‌باشند. از آنجا که اسلام، دین عقل و فطرت است، به این نیاز فطری و عقلی بشر نیز توجه لازم را مبذول داشته، ضمن تأیید این نیاز فطری و حکم عقلی، بر ضرورت و اهمیت آن تأکید ورزیده است. بدین سبب، قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره انفال بر ضرورت آمادگی کامل برای دفاع همه‌جانبه تأکید ورزیده، می‌فرماید: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...»؛ هر نیرویی که در توان دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید! و [همچنین] اسبهای ورزیده [برای میدان نبرد] تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید [و همچنین] گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.

اهمیت دفاع در اسلام، از اهداف بسیار بلند و ارزشمند این دین جهانی، سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا اسلام به عنوان کامل‌ترین مکتب، داعیه رستگاری انسانها و رهایی آنها از شرک، کفر، ظلم، فساد و تباهی را دارد. اینها اهدافی است که تحققشان نیازمند قدرت دفاعی بالای مسلمانان در همه زمینه‌هاست. عزت و سرافرازی در برابر دشمن، امنیت و آرامش جامعه، شادابی، نشاط و حیات پرتحرک اجتماعی، تقویت روحیه خودکفایی، تکیه و اعتماد بر توان نیروهای خودی، شناخت دوست از دشمن و در نهایت، پیروزی بر دشمنان، از مهم‌ترین پیامدهای دفاع همه‌جانبه در اسلام است.

جایگاه، اهمیت و مبنای عقلی و فطری دفاع در اسلام و همچنین لزوم ایستادگی در برابر تهاجمات همه‌جانبه دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، لزوم تدوین راهبرد دفاع همه‌جانبه را برای پاسداری از ارزشهای اسلام و انقلاب مطرح کرد. دفاع همه‌جانبه که در برداشتی کلی، آمادگی و به‌کارگیری همه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی به منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان خارجی و داخلی را در بر می‌گیرد، برای اولین بار به وسیله بنیانگذار انقلاب اسلامی مطرح شد. (پورحسن، ۱۳۹۰، ص ۴)

حضرت امام خمینی (ره) که در مجموعه آرای فقهی‌شان به مقوله دفاع توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند، سه رکن اساسی شناسایی خطر، هدایت ملتها در عرصه دفاع و اعلام مواضع ملی در دفاع از ملتها را برای تحقق دفاع همه‌جانبه از ارزشهای اسلامی عنوان کرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۳، ص ۷). نفوذ مستکبران بر جامعه اسلامی، تضییع حقوق مستضعفان و از میان رفتن روح همکاری و برادری، از مهم‌ترین پیامدهای عدم توجه به این مقوله است.

به اعتقاد ایشان هر گونه تساهل و مسامحه در این امر، نه تنها حریم دیانت را خدشه‌دار کرده؛ بلکه در صورت استمرار، مسلمانان نسبت به دفاع از ارزشهای اسلامی دچار تخدیر شده و بدین گونه زمینه‌های هجوم همه‌جانبه استکبار و نفاق مدرن به مرزهای اعتقادی فراهم می‌شود. بر همین اساس، چارچوب تفکر دفاعی آن حضرت بر مبنای دفاع از قلمرو منافع مسلمین و امت اسلامی در سطح ملی (ایران اسلامی) و جهان اسلام در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۵). تأمین امنیت فرهنگی از طریق توسل به مضامین اسلامی و الهی؛ تربیت، تزکیه و تهذیب نفس؛ تعهد اسلامی؛ اهتمام به تحقق خودباوری و استقلال در عرصه نوآوری‌های فرهنگی؛ تجهیز نخبگان، خواص و مردم جامعه با سلاح بصیرت و هوشمندی؛ طراحي الگوهای سیاست فرهنگی برای مقابله با استکبار و حمایت از مستضعفان و حفظ انسجام فرهنگی، محور رهنامه دفاع همه‌جانبه حضرت امام خمینی (ره) است (همان)؛ زیرا به اعتقاد آن حضرت، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.» (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۱۶)

از نگاه آن حضرت، در صورت برقراری امنیت فرهنگی است که امنیت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برقرار شده، توسعه‌ای همه‌جانبه و پایدار برای یک ملت رخ خواهد داد؛ زیرا به اعتقاد ایشان، توسعه‌ای می‌تواند پایدار و جامع باشد که تمام ابعاد وجودی انسان را در بر گرفته، مبتنی بر فرهنگ اسلامی، تربیت، تعالی و رشد شخصیت انسانی و استقلال فرهنگی باشد. بنابر این، شرط تحقق موفقیت آمیز دفاع همه‌جانبه از ارزشهای اسلامی ملت ایران و امت اسلامی، تأمین امنیت فرهنگی است که آن هم در پرتو استقلال فکری و فرهنگی، عدم قبول وابستگی، نفی ظلم و سلطه‌پذیری و مقابله با مستکبران و حمایت از مستضعفان حاصل می‌شود (همان). در چنین شرایطی، نه تنها زمینه‌های تحقق توسعه پایدار برای جامعه فراهم می‌شود، بلکه پایه‌های امنیت نرم آن نیز مستحکم می‌شود.

حضرت امام خمینی (ره) برای تحقق موفقیت آمیز دفاع همه‌جانبه، راهبرد بازدارندگی مردمی را برگزیدند. این راهبرد از دو بُعد دفاعی و تبلیغی تشکیل شده است. در بُعد دفاعی، کشور در معرض هجوم، می‌کوشد با افزایش منابع داخلی قدرت و بسیج عده نیروهای نظامی و مردمی) و عده (تسلیحات) در برابر تجاوز دشمن ایستادگی کند. در بُعد تبلیغی، این راهبرد زبانی یا اعلامی یا تبیینی، بر آن است که به دشمن بالقوه تفهیم کند که هزینه و بهای اقدام به جنگ، بیش از منافع متصور آن است و او را متقاعد کند که با توجه به اینکه با مردمی روبه‌رو خواهد شد که از وحدت، انسجام، صبر، پایداری، مقاومت سرسختانه، فداکاری، جانفشانی، ایثار و انگیزه دفاعی برخوردارند، ضربات و

لطمات سنگینی را متحمل شده و حتی به فرض تسلط ظاهری بر سرزمین آن کشور، نه بر قلوب مردم مستولی خواهد شد، نه بر اراده آنها و در نهایت، با شکستی سهمگین و تحمل خسارت جانی و مالی و مهم‌تر از همه، ضررهای سیاسی و ایدئولوژیک، مجبور به بازگشت به سرزمین خود خواهد شد. (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۵)

نقش بسیج در امنیت نرم و راهبرد دفاع همه‌جانبه

همان‌گونه که اشاره شد، مفهوم امنیت و دفاع در اندیشه سیاسی اسلام و حضرت امام خمینی (ره)، معنایی متفاوت از مکاتب غربی یافته و بیشتر به سوی رویکردهای نرم‌افزاری سوق می‌یابد. بر همین اساس، یکی از مؤلفه‌ها و عناصر کلیدی که از جایگاه ممتاز و بی‌نظیری در ایجاد امنیت نرم و دفاع همه‌جانبه در انقلاب اسلامی برخوردار است، مجموعه بسیج است. بسیج ۲۰ میلیونی که از همان ابتدای انقلاب اسلامی شکل گرفت و در عرصه‌های مختلف انقلاب نقش محوری و کلیدی یافت، با حمایت و دفاع همه‌جانبه از ارزشها و هنجارهای سیاسی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از منابع مهم سرمایه اجتماعی در تولید امنیت نرم، نقش اساسی برای کشورمان ایفا کرده است.

علاوه بر این، این مجموعه عظیم، نقش بسیار مهمی نیز در ایجاد انسجام اجتماعی دارد؛ زیرا بسیج تنها مجموعه فراگیری است که از همه اقشار جامعه، از زن و مرد، پیر و جوان، با گرایشها و سلیق مختلف در آن گرد آمده‌اند و این تنوع و تکثر ذیل عنوان بسیج، رمز همگرایی و وحدت‌زایی بسیج است.

این عنصر مهم در بسیج، مورد توجه و تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز قرار دارد؛ ایشان در عبارات دقیقی با تأکید بر این ویژگی بسیج می‌فرمایند:

«بسیج مرز سنی نمی‌شناسد؛ جوانهای کم‌سال تا پیران کهنسال در آن شرکت دارند. بسیج مرز جنسی نمی‌شناسد؛ زن و مرد در آن حضور دارند. بسیج مرز صنفی و مرز جغرافیایی و قومی نمی‌شناسد؛ همه اقوام ایرانی، همه اصناف گوناگون ملی در سطوح مختلف فکری، از انسانهای نخبه و برجسته و ممتاز در میان اهل علم و دانشجویان تا جوانهای فعال و پرشور صحنه‌های دیگر، همه در بسیج جمعند. بسیج نماد حضور ملی،

مقاومت ملی و آگاهی یک ملت است؛ آن هم آگاهی همراه با تحرک، همراه با معنویت و همراه با اخلاص. بسیج، حقیقت است؛ اما شبیه افسانه‌هاست».

در واقع؛ بسیج فراتر از اختلافات طبقاتی، شکافهای نسلی، تفاوت‌های قومی و مذهبی و حتی رقابتهای سیاسی و حزبی، به عنوان مجموعه‌ای که با تأکید بر مفهومی متعالی، همچون آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی شکل گرفته، ضمن تأکید بر ایدئولوژی انقلابی که بر بنیانهای دشمن‌شناسی و توسعه ملی استوار است، توانسته است به عنوان یکی از منابع بسیار مهم تولید سرمایه اجتماعی در جامعه عمل کند.

علاوه بر این، بسیج با ایفای نقش در زمینه مهندسی فرهنگی جامعه می‌تواند گام بسیار مهمی در تولید امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران بردارد. همان‌طور که اشاره شد، اگر صاحبان قدرت زمانی با زور اسلحه و زمان دیگری با اهرمهای مختلف، دیگران را همراه خود کرده و آنها را وادار به تبعیت از خود می‌کردند، امروز به دلایل مختلف، این روشها منسوخ و جای خود را به روشهای دیگری همانند روشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داده است.

در این میان، تلاش برای تأثیر بر ارزشهای فرهنگی یک کشور و تغییر آن در جهت خواسته‌ها و منافع مورد نظر، محور اصلی جنگ نرم غرب است. بنابر این، مهندسی فرهنگی می‌تواند راهکار بسیار مناسبی برای مقابله با این تلاشها باشد. مهندسی فرهنگی، رویکردی مفهومی به برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه فرهنگی است که با توجه به طبیعت متغیر فرهنگ، به طراحی راهبردهای عملی برای حل مسائل و مشکلات ناشی از تعامل فرهنگ و توسعه می‌پردازد. مفهوم مهندسی فرهنگی، حاکی از تغییری قابل توجه در مدیریت نهادهای فرهنگی و معطوف به نیاز به راه‌حلهای کاملاً فنی و به دقت طراحی شده برای چالشهای توسعه فرهنگی است. به بیان دیگر؛ مهندسی فرهنگی با ساختار بندی نظامها، فرایندها، جایگزینها و فرمول‌بندی‌های مرتبط با آن، به ارائه پاسخهای خلاقانه به چالشهای توسعه نهادهای فرهنگی و تشویق مردم به مشارکت در حیات فرهنگی جامعه می‌پردازد.

در این راستا، بسیجیان کشورمان باید بدانند که فرهنگ ملی از پایه‌های استقلال ملی است و باید از آن همانند سرزمین ایران، دفاع کنند. در عین حال، آنچه در طراحی

برنامه‌های مقابله با جنگ نرم دشمن اهمیت دارد، توجه به هویت ملی است. بر همین اساس، توسعه و حفظ فرآورده‌های فرهنگی محلی و ملی ضرورت تام دارد؛ زیرا فرآورده‌های فرهنگی، مطمئن‌ترین ضامن حفظ کشور در برابر تهاجم فرهنگی غرب است؛ هویت فرهنگی را تقویت می‌کند و قوه خلاقیت و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، بسیج با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون: مردمی بودن، تکیه بر نیروهای معنوی و ایمانی، اعتماد به نفس، شجاعت، حرکت در راه رضای خدا و آمادگی دفاعی و نظامی، نقش بسیار مهمی در دفاع همه‌جانبه از ارزشها و هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه دارد. بر این اساس، مهم‌ترین کارکردهای بسیج برای تولید امنیت نرم نظام را می‌توان در قالب محورهای ذیل دسته‌بندی کرد:

در بُعد فرهنگی: تلاش برای بصیرت‌افزایی نسبت به ابعاد مختلف جنگ نرم برای نخبگان و توده‌های جامعه، کمک به مهندسی فرهنگی کشور، شناسایی تهدیدها و آسیبهای فرهنگی، سرعت‌بخشی و گسترش تولیدات فرهنگی، عمق‌بخشی فرهنگی در جامعه و حکومت، بهره‌گیری از امکانات و ظرفیتهای موجود در بسیج فرهنگی، دفاع همه‌جانبه فرهنگی در مقابل ناتوی فرهنگی و مبارزه رسانه‌ای با جنگ نرم؛

در بُعد اجتماعی: ایفای نقش در زمینه گسترش و تعمیق فرهنگ صحیح امر به معروف و نهی از منکر، تقویت قدرت تحلیلی مردم در شناختن غرب و توطئه‌های اجتماعی، فرهنگی و رسانه‌ای آنها، الگوسازی و ارائه الگوهای ارزشی، ارتقای روحیه نشاط، تلاش و امید به آینده، تعمیق فرهنگ ساده‌زیستی و رعایت تقوای الهی در جامعه، ایجاد و تشویق انگیزه، احساس مسئولیت و عمل به وظیفه و حفاظت از انقلاب اسلامی از طریق انسداد راههای نفوذ ناهلان به لایه‌های مدیریتی نظام؛

در بُعد اقتصادی: خنثی کردن ترفندهای دشمن برای برهم زدن تعادل روانی جامعه در زمان اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، همکاری تشکیلاتی با دولت در تأمین مایحتاج ضروری مردم و پیشسازی در امر صرفه‌جویی اقتصادی؛

در نهایت اینکه در جمهوری اسلامی ایران، حفظ نظام سیاسی، حفظ و گسترش اسلام ناب، حفظ تمامیت ارضی و تأمین منافع و نیازهای حیاتی اقتصادی، جزء مهم‌ترین

اهداف و ارزشهایی قلمداد شده که تهدید علیه آنها، تهدید علیه امنیت ملی محسوب می‌شود. در این بین، بسیج که نیرویی متشکل از قوای داوطلب و مردمی است، با داشتن توانایی‌های فرهنگی و اجتماعی و گستردگی رده‌های تحت پوشش و به خصوص انعطاف‌پذیری و سرعت عمل ناشی از ترکیب اغلب جوان آن، با صرف هزینه‌ای اندک، نقشی حیاتی در تأمین و حفظ امنیت ملی در جمهوری اسلامی دارد.

نتیجه‌گیری

با تغییر ماهیت تهدیدهای امنیتی و افزایش شدت آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) از لزوم دفاع همه‌جانبه برای ایمن‌سازی جامعه در برابر خطرات و آفات داخلی و تهدیدهای خارجی سخن گفتند. بر همین اساس، امنیت‌سازی از درون بر مبنای ایمان و اعتقاد ویژه نسبت به فرامین الهی و اسلام، اعتقاد به تلازم انفکاک‌ناپذیر دین و سیاست، تکلیف‌گرایی، تأکید بر هویت‌یابی حیات اجتماعی انسان در سایه هستی‌شناسی عرفان‌محور، بصیرت و روش‌بینی و دشمن‌شناسی در سطوح ملی و فراملی برای دفاع از همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور، مبنای عملکرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت.

علاوه بر این، فعال‌سازی ظرفیتهای بالقوه داخلی یا ظرفیت‌سازی‌های نوین برای تولید یا بازتولید امنیت نرم به منظور مقابله با تهدیدهای نرم، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این امر مستلزم تعریف و تقویت ارکان امنیت بر حسب نیازهای جامعه و خواسته‌های شهروندان است که افزایش کارآمدی دولت، ارتقای مسئولیت‌پذیری متقابل، ارتقای مشروعیت دولتی، تنوع‌بخشی به منابع مشروعیت، عدم برداشت سلبی محور از مفهوم امنیت، افزایش انسجام اجتماعی و سیاسی، ارتقای امنیت فرهنگی جامعه و درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی- فرهنگی، از مهم‌ترین شاخصهای تقویت امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

همچنین از نگاه حضرت امام خمینی (ره)، تقویت انسجام ساختاری که محتوای امنیت نرم محسوب می‌شود، نقش بسیار مهمی در ارتقای قدرت دفاعی امت اسلامی و ملت ایران دارد. حفظ ارزشها و حکومت اسلامی، تقویت معنویت، تهذیب و تزکیه اخلاقی،

برقراری رابطه سازمانی بین امنیت دولت و جامعه، فعال‌سازی و سازماندهی نیروهای اجتماعی، ایجاد مشارکت آگاهانه، نهادمند و قانونی، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسجام ساختاری محسوب می‌شوند.

امنیت فرهنگی یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی امنیت نرم و دفاع همه‌جانبه از دید امام خمینی (ره) است. از نگاه ایشان، امنیت مقوله‌ای چندوجهی و دارای ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است و هدف نهایی آن، دفاع از ارزشها و حکومت اسلامی و تعالی و رشد اخلاقی - معنوی امت اسلامی است. زیربنای تأمین امنیت و افزایش قدرت دفاعی یک جامعه از نگاه امام خمینی (ره)، امنیت فرهنگی است که به لحاظ نقش زیرساختی فرهنگ در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و یکپارچگی فرهنگی و ملی، اهمیت ویژه‌ای یافته است. اگر به عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ (باورها و ارزشها، زبان، علم و...) به ویژه فرهنگ پویا و پیشرو که نقش مؤثری در اعتلا و برجسته‌سازی هویت فرهنگی برعهده دارد توجه کنیم، به این نکته کلیدی پی می‌بریم که تحقق امنیت فرهنگی در نگاه حضرت امام خمینی (ره)، مستلزم نظارت و مدیریت بر عوامل تهدیدکننده هویت فرهنگی است و چنانچه هویت فرهنگی دچار رنگ‌باختگی یا شرایط بحرانی شود، پایه‌های امنیت فرهنگی با بی‌ثباتی و تزلزل مواجه شده، مؤلفه‌های فرهنگی در معرض تغییر و تحوّل قرار می‌گیرند. یکپارچگی فرهنگی از عوامل مؤثر در امنیت‌سازی و تحقق امنیت فرهنگی است و چنانچه لایه‌های مختلف فرهنگی بر اساس مهندسی نظام‌مند، ارتباط منسجم و سازمانی با یکدیگر داشته باشند و به خصوص در شرایط تهدید، از ابزارهای یکپارچه‌سازی برخوردار شوند، می‌توانند در مقابل تهدیدها ایستادگی کرده، تندباد تغییرات را با حداقل تأثیرپذیری از خود عبور دهند.

کارویژه اصلی امنیت فرهنگی، حفاظت و پاسداری از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی (ارزشها، هویت و...) در برابر تهدیدها و تهاجم فرهنگی است. ارزشها و عناصر فرهنگی که سرمایه‌های راهبردی و عامل تداوم‌بخش حیات فرهنگی‌اند، همواره در معرض تهدید و تهاجم همه‌جانبه بوده، در این رابطه از طیف وسیعی از ابزارهای مادی و غیر مادی برای تضعیف هویت و ناامنی فرهنگی و دینی مردم استفاده شده است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران برای افزایش امنیت فرهنگی خود که یکی از شاخصه‌های امنیت

نرم یک نظام محسوب می‌شود، باید به بازتولید هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در قالب نوآوری‌ها در محدوده پذیرفته شده نظام فرهنگی موجود و ایجاد سازوکاری و انطباق با محیط مقتضیات داخلی و خارجی پردازد.

تجربه موفق مشارکت مردم در عرصه تأمین امنیت در قالب نهاد کارآمد بسیج در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به ویژه دفاع مقدس، ضمن تأیید اندیشه حضرت امام، به خوبی نشان داد که پویایی امنیت را در رابطه با تقویت و تحکیم زمینه داخلی باید جست؛ چه آنکه شرایط داخلی در نهایت منبع اصلی آسیب‌پذیری در برابر تهدیدها (یا چالش‌ها)ی خارجی است و کشورها اگر خواهان مقابله با این عوامل و تهدیدها هستند، باید شرایط داخلی خود را بهبود بخشند.

این نهاد مردمی بسیج با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون: ایمان به خدا، اخلاص، آمادگی کامل برای دفاع، داشتن روحیه شهادت‌طلبی، مخالفت با تحقیرگرایی و مقدس‌مآبی، مبارزه و جهاد فی سبیل‌الله، داشتن بصیرت و آگاهی، جهاد با نفس، شجاعت و شهامت، توکل به خدا، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی و ادای تکلیف، نقش بسیار مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند.

در کل، بسیج با ایفای نقش در زمینه افزایش کارآمدی دولت از طریق کاهش گسست بین خواسته‌های بحق مردم و خدمات دولتی از طریق برگزاری اردوهای جهادی و خدمت به مناطق محروم؛ مقابله با فساد اداری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی؛ رفع تعارضات ساختاری از طریق ایجاد وحدت در درون ساخت رسمی قدرت و تقویت آن؛ تشویق مشارکت مردمی و جلوگیری از بروز گسست احتمالی «مردم - حکومت»؛ پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم و مرزی در ابعاد مختلف برای از بین بردن زمینه‌های فقر، ناامنی، تورم و بیکاری تلاش برای عملیاتی کردن حداکثر ظرفیتهای معطل‌مانده قانون اساسی در حوزه‌های مختلف؛ تقویت زیرساختهای فرهنگی - آموزشی تقویت کنترل و نظارت عام بر نهادهای غیر دولتی؛ همسان کردن ظرفیتهای سازمانهای امنیتی کشور با ماهیت تهدیدهای نرم؛ مقابله با ایجاد و نشر شایعه‌های برانداز؛ مشارکت‌افزایی ساختارهای نیروهای مقاومت بسیج در طرح‌های عمرانی و سازندگی؛ تأکید بر آینده‌پژوهی، مدیریت دانش دفاعی و افزایش تعامل میان مخازن تولید فکر با

متوکیان نظامی - انتظامی و امنیتی - اطلاعاتی با هدف تقویت جنبش نرم‌افزاری تولید علم در راستای منویات رهبر فرزانه انقلاب؛ ایجاد و تقویت سازمان آینده‌پژوهی و فناوری‌های نوین در ساختار نیروهای مسلح؛ دانش‌افزایی و توسعه فنی - حرفه‌ای نخبگان نیروهای مسلح در چارچوب اصل تحقیق و توسعه و تحکیم بنیانهای فرهنگی و عقیدتی - سیاسی نیروی انسانی؛ رصد رسانه‌های سایبری و ماهواره‌ای؛ شبکه‌سازی نیروهای فرهنگی کشور در قالب بسیج مقاومت نرم و هوشیاری نسبت به رسانه‌های جنگ نرم، می‌توانند در تولید امنیت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار مهمی ایفا کنند.



منابع

- اداره سیاسی سپاه (۱۳۸۱)؛ **جریان برانداز و استراتژی براندازی خاموش**، تهران، معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه.
- افتخاری، ا. (۱۳۸۴)؛ «**ساختار اجتماعی امنیت: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران**»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی ناجا، ش ۱.
- افتخاری، ا. (۱۳۸۰)؛ «**ساخت دولتی امنیت ملی**»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، ش ۳ (پاییز)، ص ۲۷۹-۲۵۷.
- اکبری، ا. (۱۳۸۳)؛ **نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- الوانی، م. و م. سید نقوی (۱۳۸۱)؛ «**سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها**»، فصلنامه مدیریت، ش ۳۳-۳۴ (بهار و تابستان).
- امام خمینی (۱۳۶۲)؛ **صحیفه نور**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پورحسن، ن. (۱۳۹۰)؛ «**دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه جانبه**»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، ش ۳۳ (تابستان).
- داوری اردکانی، رضا و ر. شاکری (۱۳۸۸)؛ «**امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)**»، دانش سیاسی، سال پنجم، ش ۱ (بهار و تابستان).
- قوام، ع. (۱۳۸۲)؛ **جهانی شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین الملل**، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- کریمی، ع. (۱۳۸۳)؛ «**تأملی معرفت‌شناسانه در مسئله امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره)**»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، ش ۲۶.
- کیوان حسینی، الف. (۱۳۸۵)؛ «**جایگاه بسیج در رویکرد امام نسبت به راهبرد دفاع همه جانبه**»، فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۳۰.

- ماه‌پیشانیان، م. (۱۳۸۸)؛ «امنیت نرم و چهره‌ ژانوسی رسانه‌ها»، فصلنامه رسانه، سال بیستم، ش ۲ (تابستان).

- Kolodziej, A.E. (۱۹۹۹). "Security Studies for the Next Millennium: Quo Vadis?", *Contemporary Security Policy*, Vol. ۲۰, No. ۳ (December), P. ۱۸-۳۹.
- Lomagin, N. (۲۰۰۲). "Soft Security Problems in Northwest Russia", *Occasional Seminar*, Harvard, ۱۴ March ۲۰۰۲.
- Baylis, J & Smith, S (eds.), (۲۰۰۱). "The Globalization of World Politics", (Oxford University Press, Second Edition, Oxford, U.K.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی